

سردبیر: فواد عبداللہی foadsjk@gmail.com  
دبیر سازمان: جمال کمانگر jamalkamangar@yahoo.com

چهار شنبه ها منتشر می شود! ۱۲ - ۱۷ بهمن ۱۳۸۴

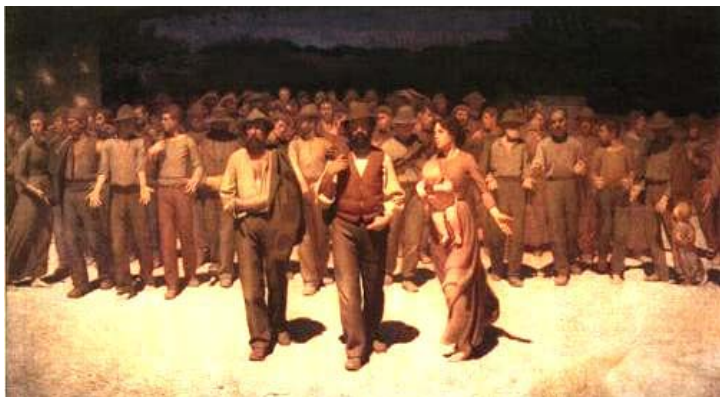
www.jawanx.com

# جوانان حکمتیست ۷۵



ستون اول

## در فردای اعتصاب . اتحاد، اتحاد و باز هم اتحاد!



جنایات و سرکوب تازه رژیم علیہ کارگران بشدت محکوم است.

منظره شهر تهران در روز شنبه بطرزی گویا و فشرده بیانگر فضای وارونه سیاسی ایران بود. خیابانها و اماکن این شهر در قرق توحش و سرکوب از پیش سازمانیافته رژیم علیہ کارگران و علیہ هر حرکت مظنون به حمایت از اعتصاب آنها تبدیل گشت. آماده باش دهها هزار نیروی سرکوب و اعتصاب شکن، بسیج نیروهای امنیتی و دادستان و بازجوها،

واحد اتوبوسرانی نجات دهد!!

روز شنبه روز نمایش قدر قدرتی رژیم مقابل کارگران و اراده و اتحاد و تشکل نبود. هر کارگر دستگیر شده و هر قدم

سرکوب رژیم نمایشگر این حقیقت بود که این روز، روز جوشش خواست سرنگونی رژیم بود. روز نهیب تازه و بی

بسرعت این بساط را در هم بیچند. این امان به مردم بود که باید از شر

تخلیه از پیشی بندهای زندان مخوف

اوپن، رها کردن اوباشان وحشی بجان کارگران و خانواده و کودک دو ساله آنها؛

همه و همه برای این لازم شده بود که رژیم اسلامی را از تهدید یک سندیکا و

چند قلم خواست رفاهی کارگران شرکت

## کفن تان را دوخته ایم. گورتان را کنده ایم!



فواد عبداللہی

حمله بیشترمانه رژیم اسلامی به خانواده های کارگری در تهران و رها کردن اوباشان وحشی و گله های حزب الله و بسیجی برای سرکوب اعتصاب آنها و دستگیری صدها کارگر شرکت واحد بیشک تکلیف مردم با این مرتجعین را روشن خواهد کرد. این لکه ننگ پاک شدنی نیست. چرا با کارگران چنین کردند؟ صاف و ساده، سیاه روی سفید می گویند که جرم کارگران برخورداری از سندیکا و تشکل مستقل خودشان همراه با خواست آزادی فوری دبیر سندیکا ایشان (منصور اسانلو) است. واقعی است! این "جرم" آنها است. کارگران با اتحاد و تشکل مستقل خودشان، با شعار و اهداف خاص خودشان مزاحم لغت و لیس و حکومت کردن یک عده گانگستر اسلامی بر زندگی شان اند.

## پیش بسوی ۸ مارس روز جهانی زن!

یاسمین میلانی ص



## از آزادی وجدان و بیان دفاع کنید!

در مقابل بسیج جهانی ارتجاع اسلامی باید ایستاد ص



## از انفجارهای اهواز تا اعتصابات تهران!

علی راستین ص

## اطلاعیه جمعی از دانشجویان دانشگاههای

تهران در حمایت از کارگران شرکت واحد ص



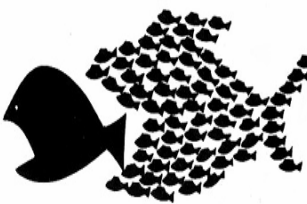
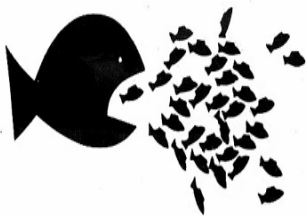
زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



که آنها را تنها نخواهیم گذاشت. این کارگران و خواستها و سندیکیان را از چنگال رژیم بدر آوریم. همه چیز در گرو اقدامات عملی کارگران در مراکز مختلف کارگری است. اگر کارگران به نشانه حمایت دست از کار بکشند، تجمع کنند، در مجامع عمومی خود قطعنامه صادر کنند، پیکتهای کارگری در دفاع از لیست کارگران زندانی برپا گردد، اگر خانه کارگرها را مورد تعرض قرار دهند، اگر بسیجیهای اعتصاب شکن شرکت واحد از دست کارگر و مردم معترض جان سالم بدر نبرند؛ آنوقت ورق بسرعت بر خواهد گشت. آنوقت سرنوشت این اعتصاب رنگ دیگری بخود میگیرد. اینرا همه و همه بخوبی واقف اند.

عزم کنیم و بجرکت در آییم. با این عزم که اوضاع را دگرگون میسازیم. عاملین سرکوب مردم و کارگران را به مجازات میرسانیم و در محل سندیکای شرکت واحد سمبل اتحاد و پیروزی کارگری را برپا خواهیم داشت.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
۹ بهمن ۱۳۸۴  
۲۹ ژانویه ۲۰۰۶



این رژیم خلاص شد. باید دست بکار شد، دستی که بر روی شریفترین انسانها و بر علیه بدیهی ترین حقوق آنها بلند میشود را باید شکست. شهروندان تهرانی منظره این شهر با حملات وحشیانه، ضرب شتم، گاز اشک آور، دستگیریهای دست جمعی توسط ماموران رنگارنگ دولتی را بخاطر خواهند داشت. مسببین توحش علیه کارگران شرکت واحد، از قالیباف و فرماندهان نیروهای سرکوب تا خانه کارگر و علیرضا محبوب مجازات شدیدی را از این مردم باز پس خواهند گرفت.

کارگران!

اعتصاب کارگران شرکت واحد به پایان نرسیده است. هزار و پانصد کارگر در زندانها بسر میبرند. خانواده های کارگری به گروگان گرفته شده اند. منصور اسانلو هنوز زندانی است. به همه خواستها و مطالبات و به همه حقوق و نیازهای بر حق کارگران دهن کجی شده است. بدرست از ما میپرسند در فردای این روز چرا هنوز این رژیم برق دارد، آب دارد؟ چرا در لوله های صادراتش نفت و گاز در جریان است؟ میپرسند چرا سرویس کارخانه ها در رفت و آمدند؟ میپرسند چرا فرزندان همین کارگران دانشگاه و محله را روی سرشان گذاشته اند؟ از ما میپرسند چرا کارگران خاک دفاتر خانه کارگر را به توبره نمیکشند؟

کارگران!

حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه داران بس است. تلفات و تداوم این زندگی دیگر بس است. بگذارید خود سرنوشتمان را بدست بگیریم. از همین امروز و با اعلام حمایت بیدریغ از اعتصابیون شرکت واحد به عزم و اتحاد خود جان تازه ببخشیم. به شرکت واحدی ها نشان دهیم

حکومتی بنا به تعریف حکومتی ضد کارگری نیست؟ آیا حکومتی که پیگیرترین و مبارزترین طبقه را به توبه، سکوت، آرامش و اطاعت میخواند، خود اولین پایگاه ابقا، احیا و تحکیم سلطه استعمار بر گرده انسان امروزی نیست؟

می توان به این لیست بیشتر افزود اما همینقدر بس است تا هر انسان شرافتمندی حمایت خود را از کارگران شرکت واحد اعلام دارد. هر جوان و دانشجوی آزادیخواه و پر انرژی، هر زن معترض و هر آدمی که زندگی زیر سایه انکل اسلام و خفقان را سالها تجربه کرده است و برای رفتن این جانیان لحظه شماری می کند باید در دفاع از زحمتکش ترین طبقه جامعه پا جلو بگذارد. موقعیت و فرصت مناسبی برای تجمع های وسیع، تظاهرات، اعتصاب، شعار دادن و نافرمانی است. باید فشار را تشدید کرد. باید تهران را روی سرمان بگذاریم. باید جهان را علیه رژیم اسلامی بشورانیم. آمرین و عاملین این وضعیت را تک تک به اسم میشناسیم.

این اردوگاه ما است. اردوگاه آزادیخواهی و برابری طلبی! اگر کسی قصد دست درازی و تجاوز به حریم انسانی آن را دارد باید قلم پایش را خورد کرد و بی جوابش نگذاشت.

اردوگاه ما قاتلین را خوب می شناسد. از ابتدا میشناخت. آمرین و عاملین وضعیت موجود در ایران و دو دهه جنایت علیه بشریت، خامنه ای ها، رفسنجانی ها، خاتمی ها، احمدی نژادها، رهبرها و مرجع ها و رئیس جمهورها، وزراء و وکلا و سردارها و حکام شرع، همه را در یک صف بلند به دادگاههای مردمی خواهد برد. آنجا مفصل، علنی، زنده، جلوی دوربین های رسانه های بین المللی و چشمان ناباور مردم جهان، حقایق یکی از خونبارترین دوره های تاریخ معاصر را از زبانشان خواهیم شنید. بگذار دشمنان قسم خورده کارگران، کمونیستها، جوانان، دانشجویان و زنان بدانند که صاحبان اردوگاه آزادیخواهی، بشر دوستی و برابری طلبی زمین را زیر پایشان داغ خواهند کرد. باید بجرکت درآمد و متحدانه و به هر شیوه ای از کارگران و خواسته هایشان حمایت کرد...

جرم شان این است که شایسته زندگی بهتری هستند. جرم شان این است که در برابر هجوم وحشیانه فقر و فلاکت، در برابر بی آندگی و لینچ هر روزه شان توسط پوتین قوانین اسلامی و حاکمیت بختک سیاه سرمایه از خود دفاع کنند.

هیچکس مثل خود کارگران متحصن ماهیت طبقاتی و ضد کارگری بودن رژیم اسلامی را درک و لمس نکرده است. هرگونه توهمی راجع به موضع "مستضعف پناهی" و پلاتفرم کشک اقتصادی احمدی نژاد ریخت و پیروزی نهایی طبقه کارگر در گرو تعمیم چنین آگاهی ای در سطح وسیعی از کارگران کشور است. واقعیات روزمره و مبارزه طبقاتی بیش از پیش زمینه را برای طرد اوام "مستضعف پناهی" دولت کنونی فراهم آورده است. اعتماد گنگی که منشا کش دادن به عمر کثیف رژیم اسلامی است. حکومتی که مانع اعتدالی جنبش کارگری و بسیج توده های زحمتکش به رهبری طبقه کارگر میگردد، آزادی را سلب میکند، بیان را خفه میکند، اجتماعات را بر هم میزند و مخالف برپایی تشکلات و سازمانهای مستقل کارگری است و آنها را "کاسه داغتر از آتش" میخواند. کارگران آگاه را توقیف میکند، در بین کارگران شکافهای قومی، مذهبی، جنسی، سنی و ... ایجاد میکند تا اتحاد آنان را مانع شود، حکومتی که بر سر راه مبارزات کارگران سنگ بیندازد، مومیایی های مسلح را بجان کارگران می اندازد، کارگران آگاه و مبارز را ضد نظام میخواند، حکومتی که کارگران را بزور باتون و اسلحه و توبه نامه به اطاعت از دولت و قوانین کار بردگی و به تولید بیشتر و صبر فرا میخواند، حکومتی که در گسترش بی سابقه بیکاری، فقر، فساد و بی خانمانی شمشیر از رو بسته است، حکومتی که لگد به کودکان خوابیده کارگران و به اوین بردن آنها را وسیقه مشروعتش میداند، حکومتی که با اعتلاء مبارزات کارگران بر علیه سرمایه "تضعیف" میشود جز اینکه در تلاشی سرسختانه برای بقا است چه می تواند باشد؟! آیا حکومتی که از قدرت گرفتن کارگران، از اعمال قدرت مستقل آنان از طریق ارگان های مستقل خودشان به هراس میافتد و ماشه می کشد، آیا این چنین

**نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!**



# از انفجارهای اهواز تا اعتصابات تهران!

## علی راستین

اگر انفجارهای شهر اهواز توسط گروه اولترا راست الاحواز را بتوانیم "رو در رویی با رژیم" نام بگذاریم، در هفته گذشته دو شکل از این رو در رویی با رژیم را مشاهده کردیم. یکی در اهواز و دیگری در خیابان های تهران.

اقدامات تروریستی شهر اهواز، کشتن بی رحمانه شهروندان بی گناه در اماکن عمومی، کمی برداری از اقداماتی است که برادران تنی این اوباش سیاسی همین امروز در عراق بر سر مردم مستاصل آن مملکت می آورند. چنین اقداماتی اگرچه در حال حاضر مقطعی، موضعی و در مقیاسی کوچک با ماهیت واقعی اینهاست؛ اما بالقوه تابید آن سناریوی سیاهی است که گروه های قومی در همراستایی با باند های مذهبی (حتی طیف هایی از خود رژیم) در صدد تمرین آن هستند. از سوی دیگر، شهر تهران این هفته شاهد اعتصابی شور انگیز از سوی سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی بود که با حمایت خانواده های آنان، مردم و علی الخصوص دانشجویان برگزار شد. رژیم جمهوری اسلامی هم به سیاق تمامی دولت های "دموکرات منش" دنیا، اعتصاب را با باتون، گاز اشک آور و شلیک هوایی به همراه دستگیری تعداد زیادی از شرکت کننده گان پاسخ داد. جمهوری اسلامی به واقع تمامی آنچه که در چنجه داشت را رو کرد و نشان داد که دولت مستضعف پناه "دکتر" احمدی نژاد چقدر با خوسته های واقعی زحمتکشان جامعه خوانایی دارد.

قصد ما در اینجا نه تحلیل وقایع اهواز است و نه اعتصاب کارگران شرکت واحد بلکه در اینجا می خواهیم دو واقعه را از پیش روی مخاطب بگذرانیم و نکته ای را در این میان برجسته کنیم.

دوستان خواننده نشریه جوانان حکمتیست! جمهوری اسلامی می تواند در روند اضمحلال و سرنگونی اش به یکی از این دو شکل از بین برود. منظور ما از یکی از دو شکل نه فقط آن انفجار و باز هم نه فقط یک اعتصاب است. منظور ما این است که جمهوری اسلامی می تواند در روند یک سلسله از اعتصابات و خیزش های مردمی بر سر آزادی تشکل، نان، افزایش دستمزد، آزادی های مدنی و مسائلی از این دست از بین برود، یا اینکه

بر سر اثر جنگ، حمله نظامی غرب و به علاوه تحرکات نظامی انواع و اقسام جانوران مضر سیاسی از قبیل الاحواز از بین برود. که این سازمان ها امروز به یم اتحاد بر سر طرح "فدرالیسم قومی" دیگر تنها، منفرد و محلی نیستند. بدون اغراق ائتلافی با شانس بالا و "امریکا پسندی" از نیروهای قومی کرد، آذری، عرب، بلوچ و ترکمن (به این لیست باید سازمان "پرافتخار" اکثریت را نیز اضافه کرد) و... را ایجاد کرده اند که طرح ارتجاعی فدرالیسم این ها را با زنجیری محکم به هم وصل کرده است.

ما به لحاظ سیاسی این واقعیت را در سال گذشته آشکار کردیم و بر مبنای آن سند "مشهور سرنگونی جمهوری اسلامی" را منتشر کردیم. این گروه ها در دستان درد کارگران و مردم جان به لب رسیده از فقر و سرکوب نیستند. بلکه بخشی از بورژوازی محلی هستند که از حکومت مرکزی سهم می خواهند. این ها نهایتا می خواهند شریک در چیزی باشند که امروز حکومت مرکزی دارد از کرده طبقه کارگر به جیب می زند. تکیه بر لباس محلی، زبان محلی، آداب و سنن تهوع آور محلی، و یا پایتخت شدن تبریز، اهواز یا سنندج صرفا بهانه ای برای اینها برای فریب مردم به خرافه ای تحت نام قومیت است. این ها را صرفا برای تحریک قومی و به جان هم انداختن زحمتکشان این جامعه (که درد مشترکی دارند) ایجاد کرده اند که طوق قومیت به گردشان انداخته اند. تاریخا اینها با اولین چشمک و نشان دادن اولین چراغ سبز از سوی حاکمیت، برای سهم خود از قدرت با کله و از جان و دل با رژیم جمهوری اسلامی هم همکاری کرده اند. نباید فراموش کرد که اتفاقا این رادیکالیسم جنبش های اجتماعی و شکست جنبش دوم خرداد است که اینها را به طیف سرنگونی خواهان "هل" داده است. اینها اساسا از همان جنس جمهوری اسلامی هستند که "دن"

ناسیونالیسمشان را اندکی بالا برده اند. (اگر از جنس جمهوری اسلامی نبودند، مردم را نمی کشتند) در حای حاضر هم تکیه گاه اصلی و تمام آرمان و آرزوی شان حمله امریکا به ایران است که بر متن لجنزاری که امریکا ایجاد خواهد کرد، بر جان و زندگی مردم بیافتند و نهایتا کاری که جمهوری اسلامی نتوانست با مردم بکند را انجام بدهند.

بنا بر این امروز به واقع اهمیت سیاسی "مشهور سرنگونی" را باید دریافت و باید سعی کرد که هر چه بیشتر جامعه را حول منشور متحد کنیم. نقطه اتکای ما، تنها و تنها تحریکاتی از قبیل اعتصاب بزرگی که در تهران روی داد و در مقیاس سراسری آن اعتراضات هر روزه کارگران، زنان، دانشجویان در راه رسیده خواسته های برحقشان است. ما می خواهیم با اتکا به نیروی مردم و با پلایتم سیاسی معین خود یعنی منشور

سرنگونی به جنگ جمهوری اسلامی برویم. و در برابر ما نیز گروه های قوم پرستی هستند که خواب عرافیزه کردن ایران را می بینند. مردم باید با آگاهی و با درک شرایط خظیر امروز جامعه

ایران انتخاب کنند و حول این منشور متحد شوند. همچنین این نکته را باید اضافه کرد که آینده سیاسی ایران آن "فضای کمیدی" نیست که گویا مردم قیام می کنند و سوسیالیسم بر پا می شود. باید توجه داشت که بخش وسیعی از نیروهای قوم پرست و مذهبی مسلح هستند و در آینده مسلح تر خواهند شد. نمونه شهر اهواز، حی و حاضر در برابر چشممان ماست. در پاسخ به این ما حکمتیست ها "گارد آزادی" را تشکیل داده ایم و سعی داریم زندگی مردم را در برابر تعرض بی

## از آزادی وجدان و بیان دفاع کنید!

### در مقابل بسیج جهانی ارتجاع اسلامی باید ایستاد

اسلامیون هنوز عواقب وخیمتری بدنبال خواهد داشت؟ کسی هست که نداند درست امتیازات قبلی است که نیروهای اسلامی را امروز نیرومند تر و مدعی تر ساخته است؟ این مخاطرات جدی تلقی نمیشود. متأسفانه از صفی مستحکم، روشن و آزادخواه چه در خود دانمارک و در همه کشورهای غربی هنوز خبری نیست. مصلحتهای کوتاه بینانه خود این دولتها، خود فریبی رسانه ها، افکار نسبیست فرهنگی مانع هر گونه تحرک عمل میکند. مردم مبهوت به تهدید تروریستهای علیه خود خیره میمانند. دولت متبوعشان این تهدید را حتی برای شهروندان کشور همسایه مورد تایید قرار میدهد و در عوض جاده را برای ماشاات هموار میسازند. در کنار همه اینها، بیبفاوتی و کودنی داوطلبانه نیروهای چپ و آزادخواه در این کشمکش بیش از هر چیز خیره کننده است.

در مقابل اینها نباید متوهم بود. نباید سر سوزنی کوتاه آمد. باید قاطع بود. باید برای هر سانتی متر از مدنیت و تمدن و آزادی سیاسی سنگر بست. اگر در ایران و کشورهای مشابه مبارزه علیه آن با هزار دشواری روبروست، در دل اروپا نباید هیچ فرصتی را برای افشا و رسوا کردن آنها از دست داد.

دنیای امروز زخم های عمیق زیادی را از اسلام سیاسی بر بیکر خود حمل میکند. دنیای امروز بشری به اندازه کافی از چرک و خون کثافت حکومت جریانبات رنکارنگ اسلامیون را در تجربه زنده خود لمس میکند که انتظار بسیجی گسترده در دفع هر دست درازی تازه آنها، ابدانتظار بزرگی نیست.

#### حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دهم بهمن ماه ۱۳۸۴

۲۰ ژانویه ۲۰۰۶

ارتجاع اسلامی چاپ چند کاریکاتور از محمد پیغمبر اسلام را بهانه کرده است تا با پشتوانه پول عربستان و گله حامیان بن لادن و جمهوری اسلامی رسانه های اروپا را مرعوب کنند. ارتجاع اسلامی در اروپا به جنگ آزادی بیان و آزادی وجدان آمده است. این تعرض را باید درهم شکست. گله مرتجعین به حرکت در آمده، تهدید میکنند، پرچم به آتش میکشند، گروکشی میکنند و پایه ای ترین آزادی و حرمت انسان تمدن را هدف قرار داده اند. گردن دنیا را پیچانده اند و به کمتر از پیروزی کامل خویش راضی نیستند. مدارس، مساجد، بنگاه های مذهبی و دیپلمات های دولتهای عربی و اسلامی همه و همه جلو افتاده اند و عرصه های فکری و فرهنگی و عقیدتی انسانها را هدف قرار داده اند.

ولی از صف بندی در مقابل این تهاجم خبری نیست. کار، دیگر از خود سانسوری و خود فریبی و فریب افکار عمومی و با توجیه نسبیست فرهنگی گذشته است. ابعاد مساله از چند کاریکاتور در یک روزنامه محلی دانمارکی بسیار فراتر رفته است. تیانچه روی شقیقه دولتها و مراجع بین المللی و رسانه های دنیای غرب قرار داده اند و به کمتر از یک سانسور فکری و سیاسی رضایت نمیدهند. از غرب، کنار مزار روسو و ولتر، میخوانند مطابق میل و سلیقه این نیروها از نزدیک شدن به حریم مقدس دستگاه مذهبی اسلامی خود داری کنند! میخوانند روزنامه ها خفه خون بگیرند و روزنامه نگاران و مقالات و انتقادات را، خود، راسا سانسور نمایند.

این کشمکش بینهایت جدی است. کسی هست که نداند عقب نشینی در مقابل لشکر کشی

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



## از این سایت ها دیدن کنید:

[www.javanx.com](http://www.javanx.com)  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
[www.oktoberr.com](http://www.oktoberr.com)  
[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)  
[www.iran-tribune.com](http://www.iran-tribune.com)  
[www.pasox.org](http://www.pasox.org)



### تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کمانگر  
[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)  
 تلفن: ۰۰۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

سردبیر: فواد عبداللہی  
[foadsjk@gmail.com](mailto:foadsjk@gmail.com)  
 تلفن: ۰۰۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما  
[nasimrahnamadk@yahoo.com](mailto:nasimrahnamadk@yahoo.com)  
 تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

بهرام مدرسه  
[bahramsjk@yahoo.com](mailto:bahramsjk@yahoo.com)  
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱  
 فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۲۶۱۳

حقوق بدیهی و اولیه ی مردم به خصوص کارگران است و هیچ کس و تحت هیچ عنوان سلب آن را ندارد.

۲. ما معتقدیم اعتصاب کارگران شرکت واحد نه تنها لطمه ای به حقوق مردم نمی زند بلکه عملی در راستای احقاق حقوق مسلم و اولیه ی تمامی اقشار جامعه می باشد به همین دلیل ما از تمامی مردم آگاه و زحمت کش به خصوص سایر کارگران و دانشجویان می خواهیم ضمن پذیرش این حق برای کارگران شرکت واحد از آنان حمایت نمایند و به اعتصاب کارگران شرکت واحد بپیوندند.

۳. آن چه در دوره ی اعتصاب قبل (۵ دی) رخ داد این بود که حاکمیت و دولت کارفرما از تمامی ابزار های اقمایی و تبلیغی خود در راستای به شکست کشاندن این اعتصاب استفاده کرد. از جمله اطلاع رسانی مغرضانه ی خبرگزاری های وابسته و رسانه های دولتی، وعده های دروغین مسئولین شهرداری و شورای شهر "که هیچ کدام عملی نشد" را می توان نام برد. پس بدیهی است که مردم آگاه نمی بایست تحت تاثیر تبلیغات مغرضانه ی رسانه ها قرار بگیرند و کارگران شجاع شرکت واحد نمی بایست به این وعده ها توجهی نشان دهند و تا احقاق حقوق خود از پای

نشینند.

۴. ما ضمن هشدار در مورد فعالیت های اعتصاب شکنانه نهادهای نظامی و حکومتی از مردم می خواهیم که با عدم استفاده از وسایل نقلیه ی این سازمان ها حمایت خود را از کارگران زحمت کش شرکت واحد اعلام نمایند.

۵. در صورت حمایت مردم و پی گیری کارگران این اعتصاب محکوم به پیروزی است و آزادی منصور اسانلو و دیگر بازداشت شدگان می تواند قدمی مهم در راستای احقاق حقوق کارگران شرکت واحد و دیگر بخش های طبقه ی کارگر باشد که این حقوق در مراحل اولیه می تواند حق تشکیل سندیکا، دیگر تشکل های آزاد، حق اعتصاب و اعتراض برای همگان و در نهایت گرفتن حقوق مسلم کارگران و عامه ی مردم باشد.

در پایان ما جمعی از دانشجویان دانشگاه های تهران ضمن اعلام حمایت بی دریغ و فعالانه از اعتصاب کارگران شرکت واحد و سایر بخش های کارگری خواستار آزادی بی قید و شرط و سریع منصور اسانلو، اعضای هیئت مدیره سندیکا و سایر کارگری در سراسر کشور هستیم.

### جمعی از دانشجویان دانشگاه های تهران

# اطلاعیه جمعی از دانشجویان دانشگاه های تهران در حمایت از کارگران شرکت واحد

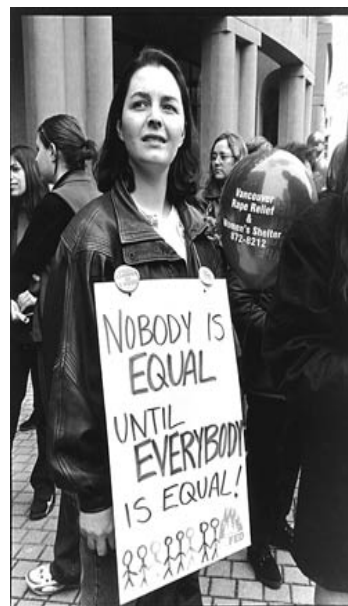
## کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه!

بیش از یک ماه از دستگیری منصور اسانلو، رییس هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی می گذرد و اعتصاب به حق کارگران در ۵ دی ماه برای آزادی وی نتیجه ای جز غیر قانونی اعلام کردن سندیکا توسط دولت کارفرمایان نداشته است. با توجه به این امر ذکر این نکات ضروری است:

۱. حق تشکل، اعتصاب و اعتراض از

# پیش بسوی ۸ مارس روز جهانی زن!

## یاسمین میلانی



کثیف مذهبی هزاران سال پیش است که روابط کریمه و ضد انسانی را حاکم کرده است. قهقهه، بوسه، آزادی پوشش، و حتی سیگار کشیدن برای زنان و علایق ابتدایی و عاطفی انسانی در زیر سیطره نفوذ عوامل و معیارها و تنظیمات عقبمانده اسلامی و مردسالارانه است. رهایی زن و پاسخ دادن به شرط برابری زن و مرد در این روز طلایی که کمونیستها و کارگران پیشتاز آن بودند، فراهم تر می شود. ۸ مارس روز جشن ما، روز قدرت گیری ما و روز عزای حکومت اسلامی است. دختران و پسران تهران، شیراز، سنندج، اصفهان، تبریز، اهواز، مشهد و کرمان و هر کجا که صدای من را می شنوید برای یک ۸ مارس با شکوه بچه های محل خود را جمع کنید. از اهمیت این روز برایشان صحبت کنید. و از همین الان فضای محلات شهرهای ایران را عوض کنید.

در این روز محلات را در کنترل خود خواهیم داشت و خوش خواهیم بود. زنده باد ۸ مارس!

هشتم مارس روزی که میتواند غل و زنجیر مذهب و مردسالاری را از هم پاره کند، نزدیک است. می تواند انقلابی علیه تمام هستی و نیستی کثافات اسلامی در جامعه ایران باشد. این روز را باید به قطع کردن دست مذهب از زندگی مردم تبدیل کرد. باید به شعار "آزادی و برابری" چسبید. در این روز باید مارش رهایی زن دمیده شود و سوزاندن حجاب و پوشش اسلامی سنت شود. باید روز برافراشتن پرچم سرخ زنان و مردان تشنه آزادی و برابری باشد. روز جارو کردن آن حکومت و قانونی است که مانع ارضای میل و هستی طبیعی می شود. زنان ایران در معرض وحشتناک ترین تبعیضات جنسی و اجتماعی اند. آنچه جلوی چشمان ما ۲۶ سال است که می گذرد یک حکومت ضد زن بر پایه قوانین

# دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!